



## تعیین دیه یا میزان دیه در جانی یا تساوی

اداره آموزش رویه در تداوم سینه تقسیم هم با گروه حقوق

کشنده زده باشد.

در این صورت دو نظریه وجود دارد:

نظریه نخست: که نظریه مشهور میان فقهاء می باشد این است که به طور مساوی بین جانی ها تقسیم می شود و درصد جنایت هر فرد ملاحظه نمی شود.

صاحب جواهر می نویسد: اگر مردی سنگی را در راه قرار دهد تا کسی با آن برخورد نماید و دو نفر دیگر نیز مشترکاً یک سنگ را قرار دهند و شخصی که عبور می کرده به هر دو سنگ برخورد نموده و کشته شود یا عضوی از بدن او تلف شود احتمال دارد که حکم کنیم به این که هر کدام از آنها یک سوم دیه را به طور مساوی ضامن هستند و احتمال دارد که بگوییم نصف دیه بر کسی است که یک سنگ را به تنهایی قرار داده و نصف دیگر بر عهده آن دو نفری است که مشترکاً سنگ دیگر را قرار داده اند. یعنی بر اساس محاسبه نمودن تعداد سبب های قتل که دو سنگ دیگر را دو نفر قرار داده بودند حکم به ضمان می شود؛ ولی نظر نخست که هر سه نفر به طور مساوی ضامن باشد موافق است با آنچه ما اختیار نمودیم که باید بر تعداد افراد جنایت کننده به طور مساوی تقسیم شود نه بر اساس تعداد جنایت در جایی که یک نفر یک ضربه بزند و نفر دیگر دو ضربه و دو جراحت ایجاد نماید.<sup>۳۱</sup> حضرت امام<sup>(ع)</sup> در صورت مشارکت جماعتی در

پس ملاک، استناد عرفی قتل است و لذا فقهاء در مواردی که استناد وجود ندارد حکم به ضمان نموده اند.<sup>۳۲</sup>

صورت دوم: حادثه یا قتل عرفاً به چند نفر به طور مساوی اسناد داده شود. در این صورت همه آنها به طور مساوی ضامن هستند. زیرا اولاً اسناد به همه آنها وجود دارد، ثانیاً اسناد هم به طور مساوی به آن چند نفر داده می شود. مثل موردی که دو نفر به سینه مقتول چاقو زده اند یا هر کدام یک گلوله به سینه مقتول زده اند. چه هر دو یا هم چاقویی زده یا با هم ماشه فشنگی را چکانده باشند و چه به طور جداگانه اقدام کرده باشند.

فقها در صورتی که سه نفر با هم در خراب نمودن یک خانه یا یک دیوار مشارکت نمایند و دیوار بر روی یکی از آنها خراب شود و فوت نماید گفته اند: آن دو نفری که سالم مانده اند هر کدام ۱/۳ (یک سوم) دیه را پرداخت نمایند و یک سوم دیگر آن بر کسی لازم نیست چون خود مقتول هم در خراب نمودن دیوار مشارکت داشته است.<sup>۳۳</sup> بنابراین حکم این صورت هم روشن است.

صورت سوم: قتل به چند نفر مستند باشد ولی از نظر عرف ولو با استفاده از نظر کارشناس درصد تأثیر فعل هر کدام از افراد متفاوت باشد. مثلاً یکی از آنها دو ضربه چاقو به مقتول زده است و نفر دیگر به یک ضربه چاقو به موضع حساس و

سؤال - چنانچه علت حادثه به سبب بی احتیاطی چند نفر (مسبب) توأم باشد، آیا دادگاه می تواند مقصران را به طور غیر مساوی (درصدهای متفاوت) به پرداخت دیه محکوم نماید؟<sup>۳۴</sup>

پاسخ: این مسئله که چند نفر سبب حادثه ای شده باشند و باعث قتل یا نقص عضو شده باشند دارای صورت های متعددی است که برای روشن شدن مورد سؤال، حکم صورت های متعدد را بیان می کنیم.

صورت نخست: مشارکت چند نفر در این حادثه به طوری که عرف، آن حادثه و قتل را به همه آن ها اسناد نمی دهد، بلکه قتل را به یکی از آن ها اسناد می دهد گر چه دیگران را هم خطا کار به شمار می آورد. در این صورت دیه فقط بر کسی است که عرفاً قتل یا حادثه را به او اسناد می دهند و ملاک، استناد عرفی است. مثلاً اگر یک نفر در خانه را بسته تا شخص نتواند فرار کند و نفر دیگر مرتکب قتل شده پس نفر اول گر چه معصیت نموده و مجرم است ولی قتل به نفر دوم اسناد داده می شود و نیز مثلاً اگر توقف نمودن یک کامیون در جایی که توقف ممنوع بوده سبب شود که راننده دیگری با یک عابر پیاده تصادف نماید، در این مورد نیز عرفاً قتل و حادثه به کسی نسبت داده می شود که تصادف نموده است و دیه و خسارت بر عهده او است گرچه راننده کامیون خطا کار بوده است.

قتل می نویسند: معتبر نیست که آنها در تعداد ضربات جنایت مساوی باشند و نفر دیگر دو ضربه و نفر سوم سه ضربه یا بیشتر پس به سبب ضربات وارده از دنیا برود پس دیه و قصاص بر همه آنها به طور مساوی خواهد بود و همین طور تساوی در نوع جنایت معتبر نیست. بنابراین در صورتی که یکی از آنها به سر او ضربه ای زده باشد که به داخل نفوذ کرده و دیگری طوری ضربه زده که به استخوان نفوذ کرده و دیگری طوری ضربه زده که به استخوان رسیده و استخوان ظاهر شود. (موضحة) یا یکی از آنها او را مجروح نموده و دیگری او را کتک زده و به همین جهت از دنیا رفته باشد دیه و قصاص آنها به طور مساوی خواهد بود.<sup>۵۵</sup> صاحب شرایع و صاحب جواهر نیز به همین مطلب تصریح نموده اند؛<sup>۵۶</sup> صاحب الفقه نیز می نویسد: اگر دو نفر او را به قتل برسانند و ضربه یکی از آن دو در قتل بیشتر مؤثر باشد قصاص و دیه بر هر دوی به طور مساوی خواهد بود و فتاوی علمای بر این مطلب دلالت می کند.<sup>۵۷</sup>

نیز صاحب شرایع، صاحب جواهر، حضرت امام<sup>(ع)</sup> و عده دیگری از علما تصریح نموده اند که هر گاه دو مرکب یا دو کشتی و مانند آن با هم تصادف کنند و هر دو در حال حرکت باشند به طوری که حادثه به حرکت هر دو اسناد داده شود در این صورت باید حکم به تصفیه خسارات و دیه نمود و فرقی بین این که حرکت یکی تندتر بوده و حرکت دیگری آهسته تر، بوده نیست و نیز فرقی بین این که یکی از مرکبها یا کشتی ها بزرگتر و دیگری کوچکتر بوده نیست.<sup>۵۸</sup>

ادله ای که برای این نظریه می توان اقامه نمود چنین است.

۱- اطلاق روایات

روایات فراوانی که در مورد اشتراک عده ای در قتل وارد شده مطلق است و امام<sup>(ع)</sup> حکم به تساوی دیه به نحو مطلق نموده است به این معنی که مقید به صورت تساوی جنایت ها نیست و حمل این روایات بر صورتی که هر کدام به طور مساوی جنایت را انجام داده باشند بسیار بعید است. در برخی از این روایات فرض شده که چهار نفر مشترکاً یک نفر را به قتل رسانده اند و در روایت دیگری آمده است که ده نفر با هم شخصی را به قتل رسانده اند.<sup>۵۹</sup> و بعید است این ده نفر به یک اندازه مؤثر در جنایت بوده باشند. بنابراین حکم به تساوی آنها ثابت می شود، مگر این که اطلاقات، حمل شود بر فرض شک در این که کدام یک بیشتر در قتل مؤثر بوده است چون در فرض شک، به میزان درصد تأثیر حکم نمی شود، بلکه به تساوی باید حکم نمود.

اما این احتمال به اطلاق (این که امام در تمام این موارد هیچگاه از میزان تأثیر سؤال نکردند و این استفسار، قرینه بر اطلاق حکم است) دفع می شود...

۲- روایت معتبره ذریح:

دلیل دوم؛ معتبره ذریح است که شیخ طوسی صدوق<sup>(ع)</sup> به اسناد خود نقل می کنند: «حسن بن محبوب عن صالح بن رزین عن ذریح قال سألت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> عن رجل شج رجلاً موضحة و شجه آخر دامیه فی مقام واحد فمات الرجل، قال: علیهما الدیه فی اموالهما نصفین.»<sup>۶۰</sup>

ذریح می گوید از امام صادق<sup>(ع)</sup> سؤال نمودم درباره مردی که به سر مرد دیگری ضربه ای زد پس استخوان او آشکار شد و دیگری ضربه ای زد که از جای ضربه او خون بیرون آمد. پس آن مرد بر اثر این دو ضربه از دنیا رفت. حضرت فرمود: دیه بر هر دو به طور مساوی خواهد بود.

در این روایت ضربه اول موضحة بوده و ضربه نفر دوم دامیه بوده و جنایت نفر اول شدیدتر و مؤثرتر بوده است در عین حال امام حکم به تصفیه دیه و تساوی نموده است. آیت الله خوئی<sup>(ع)</sup> از این روایت تعبیر به معتبره نموده است.<sup>۶۱</sup> در سند این روایت صالح بن رزین وجود دارد و علمای رجال به طور صریح او را وثیق نموده اند ولی برای اثبات وثاقت او وجوهی در کتب رجال ذکر شده است.

که زده اند مساوی بوده است یا مختلف؟ و یا مشخص نباشد چه کسی کدام ضربه را زده است، مثلاً سه نفر در قتل مشارکت داشته اند هر کدام ضربه ای زده است ولی مشخص نشود که هر کدام چه ضربه ای را وارد ساخته اند.

۴- در این صورت حکم به تساوی دیه می شود چون اولاً اطلاق روایاتی قبلاً به آنها اشاره نمودیم در این فرض جاری است و ثانیاً بر اساس این که مشخص نیست هر کدام چه ضربه ای را زده اند طبق قاعده عدل و انصاف حکم به تساوی در پرداخت دیه می شود.

۵- مواد ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی نیز به اطلاق خود گویای مسئله مفروض ما می باشند. در این مواد حکم به تصفیه دیه شده است.

۶- استفتائات مرتبط با موضوع بحث به قرار ذیل است:

۷- سؤال - چنانچه علت حادثه به سبب بی احتیاطی چند نفر (مسبب) توأم باشد، آیا دادگاه می تواند مقصران را به صورت غیر مساوی (درصدهای متفاوت) محکوم به پرداخت

**ذریح می گوید: از امام صادق<sup>(ع)</sup> سؤال نمودم درباره مردی که به سر مرد دیگری ضربه ای زد، پس استخوان او آشکار شد و دیگری ضربه ای زد که از جای ضربه او خون بیرون آمد. پس آن مرد بر اثر این دو ضربه از دنیا رفت. حضرت فرمود: دیه بر هر دو به طور مساوی خواهد بود.**



<sup>۶۲</sup> اگر سند روایت را معتبر ندانیم می توان از آن به عنوان مؤید نام برد.

نظریه دوم: دیه به حساب درصد تأثیر جنایت هر یک از جنایت کاران باید تعیین شود. این نظریه را برخی از فقهای معاصر انتخاب نموده اند که در پایان فتاوی آنها ضمیمه است.

۳- صورت چهارم مسئله این است که بنابر نظریه اعتبار درصد تأثیر اگر حاکم شک کند که آیا ضرباتی

دیه نماید.<sup>۶۳</sup>

۸- آیت الله العظمی محمدتقی بهجت:

۹- «می تواند مگر ثابت شود تفاوت استناد به فعل هر یک، و در موارد شک مصالحه کنند و الله العالم.» (۱۳۸۴/۲/۷)

آیت الله العظمی سید علی سیستانی:

«باید به طور مساوی آنها را محکوم به

دیه بنماید. «(۱۳۸۳/۱۲/۱۶)»

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی :

«در فرض سؤال چنانچه همه نفرات مقصر و در وقوع حادثه مؤثر بوده‌اند دیه بین آنها علی السواء تقسیم می شود هر چند درصد تقصیرشان متفاوت باشد والله العالم. «۲۶ ذوالحجه الحرام ۱۴۲۵ هـ. ق»

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی :

«خیر ، بلکه دیه را باید همه بالتساوی بپردازند هر چند تقصیر و درصد استناد متفاوت باشد .

«۱۳۸۳/۱۱/۲۸»



آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی :

«به نظر اینجانب چنانچه قاضی واجد شرایط نسبت به مقدار تأثیر و سببیت هر کدام علم پیدا کرده باشد درصد محکومیت و ضمان به همان نسبت متفاوت می شود والا ضمان بالسویه است .»

«(۱۳۸۳/۱۱/۲۶)»

سؤال در نزاع های دسته جمعی بفرمایید :

الف - در صورتی که افرادی باعث ایجاد جراحات های متعدد یا شکستگی به یک نفر شوند و ایراد آسیب توسط متهمان محرز باشد لکن نوع آسیب وارده توسط هر یک از آنان محرز نباشد

تکلیف چیست؟

ب- حکم صورتی که چند نفر مورد جرح واقع شوند (مجنی علیهم) را بیان نمایید؟

ج- هر یک از افراد نسبت به دیه و قصاص چه مسئولیتی دارند .»

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت :

«دیه هر جراحاتی را که معین است به مضروب می دهند ولی مقداری را که از دهندگان می گیرند باید احتیاطاً حاکم صلح بالسویه یا امر به صلح بالسویه بین ضاربین کند و همین احتیاط به صلح جاری است در موردی که جماعتی بر جماعتی جنایت متعدد وارد کنند و در این موارد تعیین به قرعه هم محتمل است و در هر صورتی جای دیه است نه قصاص والله العالم. «(۱۳۸۰/۱۲/۷)»

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی :

«مجموعه دیات جراحات وارده را بر همه جارحین تقسیم می کنند و به مجروحین دیه جراحات وارده به هر یک را می پردازند و قصاص در مورد علم اجمالی ثابت نیست و تبدیل به دیه می شود والله العالم. «(۱۳۸۰/۶/۵)»

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی :

«الف . در فرض سؤال مجموع دیات را باید به متهمین بالسویه بپردازند والله العالم .

ب و ج . در فرض سؤال چنانچه در این مورد هم مانند سؤال الف متهمین معلوم و ایراد آسیب توسط آنها مسلم باشد باید مجموع دیات را بالسویه بپردازند سپس افراد مصدوم به مقدار استحقاقشان ( چون دیات آنها متفاوت است ) از آنچه به عنوان دیات پرداخت شده بپردازند والله العالم. «(۱۳۸۰/۷/۲۸)»

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی :

«الف . در فرض سؤال همه افرادی که باعث شده‌اند خودشان با توافق و مشترکاً یا منفرداً با قرعه یا بدون قرعه دیه جراحات و شکستگی را بپردازند و اگر توافق نکردند ظاهر این است که باید دیه آنها را به نحو مساوی بدهند .

ب- هر یک از آنها می توانند به مقداری که استحقاق دیه دارند مطالبه و اخذ نمایند .

ج- هر کدام می دانند که عمداً جنایتی وارد کرده‌اند چنانچه از موارد قصاص باشد شرعاً موظف است خود را در معرض قصاص قرار دهد و اگر از موارد قصاص نیست دیه بپردازد .»

«(۱۳۸۰/۶/۱۱)»

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی :

«در فرض مسأله قصاص وجود ندارد مگر این که ثابت شود که هر یک از آنها جراحاتی که سبب قصاص می شود انجام داده‌اند و زاید برآن مشکوک باشد و در هر حال دیه تمام جراحات محاسبه می گردد و بین همه متهمین بالسویه تقسیم می شود و اگر مجنی علیه متعدد باشد به هر کدام به نسبت جنایتی که بر او وارد شده دیه پرداخت می شود .»

«(۱۳۸۰/۶/۱۰)»

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی :

«الف و ج . در صورتی که محرز باشد جراحات

متعدد بر یک یا چند نفر توسط افرادی انجام گرفته و پس از تحقیق مشخص نشود که هر جنایت مستند به کدام شخص معین است ، دیه جراحات بالسویه از آنان گرفته می شود و قصاص در کار نیست .»

«(۱۳۸۰/۹/۱۴)»

سؤال - اگر چند نفر در ضرب و جرحی مداخله داشته باشند ، بدون این که مشخصاً معلوم باشد که هر کدام چه عملی انجام داده‌اند ، تکلیف در صدور حکم چگونه است ، آیا تساوی است یا چیز دیگر ؟

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی :

«بله ، در فرض مزبور دیه مفسده را باید همه بالتساوی و با تصالح بپردازند .»

پی نوشت :

۱- ارسال کننده سؤال و تاریخ وصول : آقای رفیعی ، معاون دادستان و سرپرست دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه پنج تهران (شماره دبیرخانه اداره تدوین : ۱۰۸ مورخ (۱۳۸۳/۱۰/۳) .

۲- نجفی ، محمدحسن ، جواهر کلام طبع الاسلامیه ، ج ۴۳ ، ص ۵۹ ، حضرت امام (ره) تحریر الوسیله ، نشر الاسلامی ، ج ۲ ، ص ۵۰۶ ، مسأله ۱۱ .

۳- نجفی ، محمدحسن ، جواهر الکلام ، ج ۴۳ ، ص ۱۰۹ ؛ سید محمد صادق ، فقه الصادق ، موسسه دارالکتاب ، ج ۲۶ ، ص ۲۱۲ ؛ سیزواری ، سید عبدالاعلی ، مهذب الاحکام ، طبع موسسه المنار ، ج ۲۹ ، ص ۱۴۶ .

۴- نجفی ، محمدحسن ، همان ، ص ۹۹ .

۵- حضرت امام (ره) ، تحریر الوسیله ، ج ۲ ، ص ۵۰۶ .

۶- نجفی ، محمدحسن ، جواهر الکلام ، ج ۴۲ ، ص ۷۰ .

۷- حسینی شیرازی ، سید محمد ، الفقه ، دارالعلوم ، ج ۸۹ ، ص ۱۱۱ .

۸- نجفی ، محمدحسن ، جواهر الکلام ، ج ۴۳ ، ص ۱۱۰ ، حضرت امام (ره) ، تحریر الوسیله ، ج ۲ ، ص ۵۰۹ مسئله ۷ و ص ۵۰۷ ، مسأله ۱۵ .

۹- شیخ حر ، محمدبن حسن ، وسائل الشیعه ، مکتبه اسلامیه ، ج ۱۹ ، ص ۱۹ ، ص ۲۹ ، ب ۱۲ ، قصاص نفس .

۱۰- همان ، ب ۴۲ ، موجبات الضمان ، ج ۱ ، ص ۲۱۱ .

۱۱- خویی (ره) ، سید ابوالقاسم ، مبانی تکلمه المنهاج ، ج ۲ ، ص ۷ و روحانی ، محمد صادق ، فقه الصادق ، ج ۲۶ ، ص ۲۳ .

۱۲- خویی (ره) سید ابوالقاسم ، معجم رجال الحدیث ، چاپ ، ج ۱۰ ، ص ۶۹ .

۱۳- گنجینه آرای فقهی - قضایی - دفترآموزش روحانیون و تدوین متون فقهی - قم ، سؤال ۶۶۵۲ .

۱۴- همان ، سؤال ۹۰۷۰ .

۱۵- جامعه المسائل ، مطبوعاتی امیر ، ج ۱ ، ص ۵۶۲ ، سؤال ۱۹۹۸ .